

انقلاب اسلامی ایران، جهانی شدن و جنبش سیاسی نوین در مصر

جواد افشارکهن^۱

برومند شرفی^۲

چکیده

جهانی شدن واجد ابعاد و نیز تأثیرات متفاوت و گوناگونی است و نظرات گوناگونی درباره آن بیان شده است. شناخت و درک چگونگی عملکرد جهانی شدن، با روند در حال بسط خود، در فرآیند تأثیرگذاری پدیدارهایی چون انقلاب ایران از یکسو و تأثیرپذیری جنبش‌هایی همچون جنبش سیاسی مصر از سوی دیگر، مستلزم شناخت مؤلفه‌های جهانی شدن در بعد سیاسی، فرهنگی و ارتباطات است. از سوی دیگر در رابطه با پدیده جنبش سیاسی نوین مصر، نباید شرایط اجتماعی این کشور و بسترهای فراهم شده برای پدیداری جنبش‌های سیاسی، نادیده گرفته شود. فرض ما در این پژوهش آن است که فرآیند جهانی شدن، از طریق مؤلفه‌های خود، انقلاب ایران را به الگویی جهانی برای دیگر کشورها و نیز مصر تبدیل کرده است و همچنین بسترهایی را در جامعه مصر فراهم ساخته که جنبش سیاسی نوین را در پی دارد. لذا باید گفت که انقلاب اسلامی از طریق فعالیت‌های فراملی توانسته است، تحت عنوان بیداری اسلامی و در پی دکترین «أم القرای اسلامی» جنبش سیاسی مصر را متأثر از خود سازد. بر اساس نظریات جیمز دیویس و آلن تورن، می‌توان گفت که اصلاحات سیاسی و زمینه‌های فراهم شده از سوی دولت مصر برای مشارکت هر چند محدود مردمی در سیاست با ایجاد میدان‌های عمل جدید کنشگران فعالی را به صحنه عمل سیاسی وارد ساخته است. بسترهای اجتماعی متأثر از فرآیند جهانی شدن نیز زمینه را برای جنبش سیاسی نوین مصر آماده نموده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، جهانی شدن، جنبش سیاسی نوین مصر، خاورمیانه، روابط بین الملل.

Email: j.afsharkohan@yahoo.com

Email: social.sharafi@yahoo.com

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۲

مقدمه

مفهوم جهانی شدن^۱ به عنوان فرآیندی سیال مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان قرار گرفته است. جهانی شدن را می‌توان از ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد مطالعه قرار داد. نویسندگان منتقد بیان می‌دارند که فرآیند جهانی شدن اشاعه دهنده ارزش‌های آمریکایی است که در آن، نسبت به پدیده‌هایی چون حکومت نگرش انتقادی وجود دارد (مارکوزه، ۱۳۵۹: ۲۰۴). برخی دیگر جهانی شدن غربی را در تقابل با جهان‌شمولی اسلامی قرار داده و جوامع مسلمان را به مقابله با آن فرا می‌خوانند (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۱۵). برخی دیگر جهانی شدن و جهانی سازی را مترادف با یکدیگر دانسته و آن را به مفهوم گسترش اقتصاد، فرهنگ و سیاست آمریکایی در پهنه جهان و تهدیدی برای انقلاب اسلامی قلمداد نموده‌اند (شیرودی، ۱۳۸۶: ۱۳۳). در یک بررسی دیگر بیان می‌شود که علت اصلی بنیادگرایی در جوامع مسلمان و به ویژه مصر، مجموعه بحران‌های اجتماعی و جهانی شدن است (موتقی و زاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۱). اما فرآیند جهانی شدن را نباید صرفاً پدیده‌ای غربی قلمداد نمود، بلکه باید آن را به عنوان فرآیند جهانی و سیال تلقی کرد که می‌تواند از سوی هر یک از جوامع بسط و گسترش یابد. نمونه‌ای از این تأثیرات، تأثیرپذیری جنبش سیاسی مصر از انقلاب اسلامی ایران است. در واقع، انقلاب اسلامی می‌تواند با پیش‌بینی برخی تمهیدات از فرآیند جهانی شدن به مثابه فرصتی تاریخی در جهت بسط و گسترش آرمان‌ها و ارزش‌های بهره‌برداري نماید. در این زمینه، نویسندگان به ارائه راهکارهایی برای چگونگی واکنش بهینه انقلاب اسلامی در مواجهه با فرآیند جهانی شدن پرداخته‌اند (تاجیک و درویشی، ۱۳۸۳: ۱۶۹-۱۶۸). در واقع می‌توان گفت که فرآیند جهانی شدن با جوانب و تأثیرات گوناگون خود و متأثر ساختن و محدودسازی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی در نقش و نحوه حاکمیت آنها تغییراتی را به وجود آورده است و آرمان‌هایی را بر آنان تحمیل می‌کند. این ایده‌ها به واسطه تکنولوژی‌های ارتباطی و تعاملات بین‌المللی در سراسر جهان پراکنده می‌شود. از همین رو، امروزه در پی جنبش‌های منطقه‌خاورمیانه، شاهد مطالبات و خواسته‌هایی مشترک همچون بازگشت به ارزش‌های اسلامی، برقراری عدالت و برابری در جامعه، حاکمیت قانون و مشارکت مردمی در تصمیمات سیاسی هستیم. لذا می‌توان گفت که جهانی شدن، امروزه با از بین بردن قید و بندهای جغرافیایی بر روابط اجتماعی فراملی افزوده و در بُعد سیاسی، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران را در بین دیگر جوامع اشاعه داده و توانسته است جنبش‌های سیاسی

1 . Globalization

منطقه خاورمیانه و جنبش سیاسی مصر را متأثر از خود سازد. در واقع، این نمونه را می‌توان بر اساس پژوهش انجام گرفته از سوی محمدرضا تاجیک و فرهاد درویشی، مثالی دانست از غنیمت شمردن فرصت از سوی انقلاب اسلامی در پی جهانی‌شدن، که توانسته است به هدف خود که همان صدور انقلاب اسلامی است، نائل شود. برخی نویسندگان بر این اساس اظهار می‌دارند که جنبش‌های اخیر در مصر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، ماهیت بیداری اسلامی دارند، زیرا مردم در فرآیند هویت‌یابی جدید، هویت از دست رفته خود را در بازگشت به اسلام یافته‌اند (نورانی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). از سوی دیگر، شرایط خاص جامعه مصر، بستری را برای این جنبش مهیا ساخته است که خود در وهله اول وابسته به زمینه اجتماعی این کشور و دوم متأثر از فرآیند جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن، همان طور که در بخش دوم این نوشته خواهد آمد، با در دسترس قرار دادن وسایل ارتباطی و نیز اشاعه ایده و آرمان‌های بشری در کل جهان، در مصر شرایطی را فراهم ساخته است که در کنار دیگر علل، زمینه‌ساز جنبشی سیاسی هستند. این مقاله در بخش اول، به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی از طریق مؤلفه‌های فرآیند جهانی‌شدن بر جنبش سیاسی می‌پردازد و در بخش دوم سعی در تبیین جنبش در شرایط اجتماعی خاص جامعه و متأثر از فرآیند جهانی‌شدن دارد. مباحث و اطلاعات گردآوری شده به شیوه‌ای استنادی جهت تبیین موضوع بکارگرفته شده است. هدف اصلی مقاله، مشخص ساختن این امر است که انقلاب اسلامی ایران در بستر شرایط فراهم آمده از رهگذر تکوین فرآیند جهانی‌شدن، واجد چه تأثیرات بالقوه و نیز بالفعلی بر جنبش سیاسی نوین مصر بوده است؟ و نیز چه زمینه‌ها و شرایط اجتماعی در مصر، متأثر از فرآیند جهانی‌شدن، به ایجاد و تقویت جنبش منجر گردیده است؟ در واقع، انتظار آن است که همان‌گونه که انقلاب ایران واجد تأثیرات متفاوتی بر حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی مختلف دانسته شده است و برای نمونه برخی نویسندگان به بررسی تأثیرگذاری انقلاب ایران بر روند اسلام‌گرایی در ترکیه پرداخته‌اند (درخشه و مفیدنژاد، ۱۳۹۱: ۲۹)، بررسی نظام‌مندی درباره زمینه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جنبش سیاسی مصر انجام گیرد.

۱-۱. فرآیند جهانی‌شدن، پدیده‌ای متفاوت از جهانی‌سازی

واژه «جهان» که ترجمه لغت «Globe» است، در اصل به معنی کره یا سطح فراگیر است و معنای لغوی «Global» نیز فراگرفتن یا تأثیرگذارن بر کل دنیا و سراسر جهان است. مارتین آلبرو توضیح می‌دهد که پسوند «ization» زمانی بکار می‌رود که یک فرآیند و دگرگونی اساسی در حال انجام است (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۲). به همین دلیل در اینجا باید «Globalization» را به جهانی‌شدن ترجمه کرد و معادلاتی چون جهانی‌سازی، به معنای طرح از پیش تعیین شده از سوی غرب که ریشه در فرهنگ سلطه

جویانه آمریکایی داشته باشد، در مورد آن خلط مبحث است. درحالی که جهانی‌سازی به مفهوم غربی‌سازی، اشاره به مواردی همچون تأثیر گسترده و شگرف رسانه‌های غربی بر فرهنگ سایر ملل، تهاجم اندیشه‌های سکولار برای زدودن نقش اجتماعی دین در عرصه‌های گوناگون اجتماع، گسترش فرهنگ بی بند و باری و اباحی‌گری، تغییر رفتار و الگوهای فراروی انسان در عرصه‌های متفاوت زندگی دارد (عسگری، ۱۳۸۴: ۸۸). در برداشتی دیگر، حاکی از ادغام سریع اقتصاد جهانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است (Bhagwati, 2004: 446). جهانی‌شدن معاصر، وضعیتی جهانی ایجاد کرده است که تمدن‌ها، منطقه‌ها و دولت-ملت‌ها را بیش از پیش ملزم می‌کند تا تاریخ‌ها و هویت‌های خاص خود را بسازند. در واقع امروزه نیروهای مختلفی در کار است که به نهادی شدن جهانی چشمداشت‌های تفاوت^۱ منتهی می‌گردد. لذا در جهان معاصر، توقع و چشمداشت بی‌همتایی و در نتیجه، توقع تنوع، رو به افزایش است (رابرتسون و حق خُندکر، ۱۳۸۸: ۶۴).

بخش اعظم آثار نظری جامعه‌شناسان درباره جهانی‌شدن، حاصل تحقیقات جامعه‌شناسان غربی است. به همین دلیل، در میان نویسندگان غیر غربی گرایشی قوت گرفته است که از جهانی‌شدن به گونه‌ای سخن بگویند که انگار نسخه دیگری از همان غرب‌گرایی است. این دیدگاه، عمدتاً متعاقب اظهار نظر گیدنز اشاعه یافت که جهانی‌شدن را یکی از پیامدهای مدرنیته و مدرنیته را یکی از محصولات غرب می‌دانست. اما جهانی‌شدن نباید شکلی از غرب‌گرایی انگاشته شود و بیشتر باید به روش‌هایی پرداخت که جوامع و تمدن‌های خاص غیر غربی، از طریق آنها، سهم بسیاری در کل فرآیند جهانی‌شدن ایفا کرده‌اند. در این مورد، بیان می‌شود که فرآیند جهانی‌شدن امکاناتی را نیز برای فرهنگ‌های محلی فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از تکنولوژی ارتباطاتی و اطلاعاتی به تجدید و کشف سنت‌های خویش و عرض اندام فرهنگی بپردازد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۳۰۴-۳۰۳). صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف، هریک جهانی‌شدن را به گونه‌ای تعریف و تفسیر نموده‌اند. برخی آن را فرآیندی اجتماعی می‌دانند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود. برخی دیگر جهانی‌شدن را به معنای تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان می‌دانند که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازند که اتفاقات هر محل، زاده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندند. هاروی، جهانی‌شدن را دربر دارنده دو مفهوم فشردگی مکان و زمان و کاهش فاصله‌ها تلقی می‌کند. از دیدگاه آبرو، جهانی‌شدن به

1. expectation of difference

تمامی جریان‌های اشاره دارد که با آن همه مردم جهان در جامعه جهانی در حال تعامل هستند. سرانجام، یان آرت شولت معتقد است جهانی‌شدن، روندی است که در آن روابط اجتماعی دارای ماهیت بدون مرز و فاصله می‌شوند (پروین، ۱۳۸۹: ۴۳). بر این اساس، تعاملات و اثرگذاری‌های دو یا چند جانبه بین افراد، گروه‌ها و جوامع در سطحی فراملی است که جهانی‌شدن را پدید می‌آورند، نه روابطی یک سویه، سلطه‌گرانه و با طرح و هدف مشخص از سوی افراد، گروه‌ها یا جوامع معین باشند.

رولند رابرتسون معتقد است جهانی‌شدن مستلزم وابسته کردن نقاط مرجع فردی و ملی به نقاط مرجع عام و فراملی است. لذا جهانی‌شدن ایجاد ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و پدیده‌شناختی بین چهار عامل خویشتن فرد، جامعه ملی، نظام بین‌المللی و بشریت بطور کلی را شامل می‌شود (نقیبی مفرد، ۱۳۸ : ۳۶-۳۷). این تحولات، پروژه و یا طرح نیستند، بلکه مقتضیات خاص تاریخی جدیدی همچون گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جریان آزادی تجارت، سرمایه، پول، فرهنگ و اقتصاد، گسترش ارتباطات جهانی و نظام‌های ارتباطاتی اند (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹ : ۳۶). در مجموع، باید گفت که روابط فراملی دربرگیرنده شبکه‌ها، پیوندها و تعامل‌هایی است که از محدوده جوامع ملی فراتر می‌روند و افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع گوناگون را در درون دولت-ملت‌های مختلف به یکدیگر پیوند می‌دهند. واقعیت این است که انقلاب در پهنه فن‌آوری‌های حمل و نقل و ارتباطات راه‌بر انواع و اقسام فعالیت‌های فراملی هموار کرده است (مک‌گرو، ۱۳۸۸ : ۲۷۱). لذا جهانی‌شدن را نمی‌توان معادل با طراحی شده از سوی دولتی مشخص دانست و نباید آن را پدیده‌ای غربی فرض نمود. در واقع، با گسترش روابط فراملی ما می‌توانیم تأثیرپذیری جوامع توسعه یافته را به ویژه در زمینه فرهنگ و اشاعه ارزش‌ها، از سوی جوامع در حال توسعه مشاهده نماییم. همان اتفاقی که در چند دهه اخیر، در زمینه انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران به دیگر جوامع رخ داده است. البته، همسان دانستن اثرگذاری و توان جوامع مختلف در اشاعه ایده، ارزش و آرمان‌های خود، به دلیل دسترسی نابرابر به امکانات ارتباطی و رسانه‌ای، ناصحیح است.

۲-۱. جهانی‌شدن انقلاب اسلامی

فرآیند جهانی‌شدن باعث شده است تا بسیاری از ارزش‌ها آرمان‌های جوامع بشری، جهانی گردند. جامعه ایران نیز با توجه به موقعیت استراتژیک خود در منطقه خاورمیانه و به طور کلی در جهان، توانسته است در پی انقلاب اسلامی تحولاتی بنیادگرایانه حول ارزش‌ها و آرمان‌هایی انقلابی و به تاسی از تعالیم اسلامی، داشته باشد و از آن پس در جهت نشر این ارزش‌ها و آرمان‌ها در جهان عمل نماید. بر این اساس،

این انقلاب با تحول در جامعه ایران، حاکمیتی جدید را بر پایه مبانی دین اسلام بنا نهاد. این رسالت خطیر، هر چند با وجود دول استعمارگر و منادیان نظام سرمایه‌داری جهانی، سخت و طاقت‌فرساست، اما امروزه انقلاب اسلامی در پی امکانات و بسترهای فراهم شده از رهگذر فرآیند جهانی شدن، توانسته است به اشاعه ارزش‌ها و اهداف انقلابی خود در جهان و به ویژه جوامع مسلمان بپردازد. پیام انقلاب اسلامی ماهیتی جهانی دارد و در محدوده‌های تنگ زمان و مکان جای نمی‌گیرد (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۱۳). در واقع، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی و القای تفکر اسلام سیاسی بود. پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که تأثیرگذاری ادیان، به ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیسم، نه تنها به پایان راه نرسیده است، بلکه مجدداً به عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیاء شده است. سلسله تحولاتی که در ایران رخ داد، علاوه بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد. البته، به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران بیشترین تأثیر انقلاب در جهان اسلام و عرب قابل مشاهده است (احمدی و لطفی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت‌های بنیادگرایی در منطقه کشورهای مسلمان به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه هفتاد و در واقع، نیمه دوم قرن بیستم تبدیل شده است. به همین دلیل، جای شگفتی نیست که بیشتر گروه‌های اسلامی و حتی برخی از جنبش‌های آزادی‌بخش، از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته‌اند (یزدانی، ۱۳۹۱: ۲۵۴). شاهد این مدعا، گرایش‌هایی است که در جهان اسلام پس از انقلاب، یا اساساً ایجاد شده و تقویت شده است؛ زیرا مهم‌ترین تأثیرگذاری ایران انقلابی در حوزه ایدئولوژیک بوده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۳۳۱). به دنبال چنین وضعیتی، امروزه ما شاهد سلسله جنبش‌هایی در بین جوامع متعدد منطقه خاورمیانه هستیم که تحت عنوان بیداری اسلامی در صدد بازگرداندن اسلام به عرصه زندگی مسلمین می‌باشند (شیروودی، ۱۳۸۸: ۵).

به طور کلی، ما می‌توانیم به ترتیب برای دو پدیده جهانی شدن و انقلاب اسلامی، دو مؤلفه اساسی را مشخص نماییم: (۱) ارتباطات برای جهانی شدن (۲) اسلام‌گرایی برای انقلاب اسلامی. در واقع جهانی شدن با گسترش ارتباطات به عنوان اساسی‌ترین مؤلفه خود، افراد گوشه و کنار جهان را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخته و بر روابط اجتماعی و تعاملات فراملی افزوده است. انقلاب اسلامی ایران نیز با برپایی جاکمیت اسلامی مدلی واقعی و در دسترس را برای جوامع مسلمان مهیا ساخته است. حامد الگار در همین زمینه اظهار می‌دارد که با گذشت زمان اهمیت این انقلاب، روشن‌تر خواهد شد و تا کنون نیز ما شاهد آثار انقلاب ایران به انحاء و از جهات مختلف بر جهان اسلام و مناطق مختلف بوده‌ایم (الگار، ۱۳۷۱: ۱۹).

۳-۱. انقلاب اسلامی و دکترین أم القری اسلامی

بر اساس قرارداد وستفالی و نظریه دولت-ملت، سرزمین، حکومت، جمعیت و حاکمیت چهار رکن اساسی تشکیل دولت است. بر این اساس، سرزمین یکی از اجزای ذاتی هر کشور است و دولت-ملت‌ها نیز برای حفظ تمامیت ارضی خود، تمامی منابع و قدرت خود را به کار می‌گیرند. اما در تصور سیاسی اسلام، این جهان به تمامی، قلمرو واحدی است برای دولتی واحد و امتی واحد که همان امت اسلامی است (صدقی، ۱۳۸۶: ۷۹-۷۸). در واقع، قواعد معاهده وستفالی در آیین اسلام ارزش ذاتی ندارد. اسلام برای جهانی‌شدن و حرکت به سوی دولت واحد جهانی باید از یک نقطه شروع کند و طبقاً محل استقرار دولت اسلامی گام اول به شمار می‌رود که آن را «أم القری» می‌خوانند.

اندیشه «أم القری»، به علت اهمیتی که به وحدت مسلمین می‌دهد و قدرت مؤمنین را متمرکز می‌سازد، همواره مورد توجه بوده است. در این رابطه، در دهه‌های قبل، کسانی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و کواکبی برای حل معضلات جهان اسلام شهر مکه را به عنوان مرکز دینی جهان اسلام، أم القری نامیدند (همان: ۸۲). پس از انقلاب اسلامی ایران، برخی از پژوهشگران مسلمان، مفهوم أم القری را درباره ایران بکار می‌بردند و می‌کوشیدند تا رابطه ایران و جهان اسلام را در چارچوب نظریه «أم القری» سامان دهند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۴۱). در همین راستا، در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این مهم اشاره شده است که همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد (صدقی، ۱۳۸۶: ۸۷). در واقع، انقلاب اسلامی ایران توانسته است تا از طریق مؤلفه‌ها و بسترهایی که امروزه در پی جهانی‌شدن مهیا گشته است، به نشر ارزش‌ها و ایده‌های خود در بین جنبش‌های منطقه خاورمیانه و جنبش سیاسی مصر بپردازد. بنابراین، اساسی‌ترین زمینه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در جنبش سیاسی مصر را باید حرکت به سمت اسلام‌گرایی بیان داشت، که ثمره آن رشد، نفوذ و انتخاب احزاب اسلام‌گرا و کسب مناصب سیاسی توسط آنان و برکناری حاکمیت غیردینی حسنی مبارک است.

۴-۱. فعالیت انقلاب اسلامی در عرصه جهانی

بر پایه فرآیند جهانی‌شدن و مبتنی بر اهداف انقلاب، جمهوری اسلامی ایران سعی داشته است تا از فرصت‌های موجود در جهت صدور انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن به دیگر جوامع و به ویژه جوامع اسلامی بهره بگیرد. در اینجا، به برخی از این فعالیت‌ها اشاره می‌گردد:

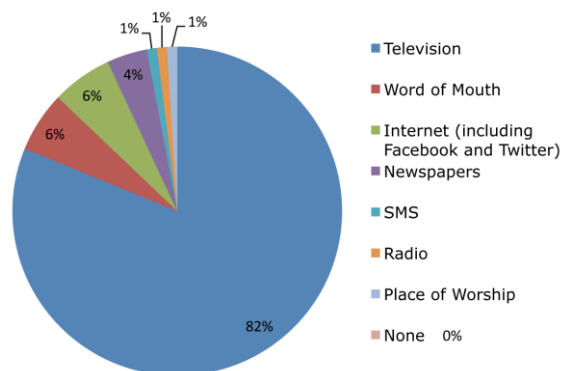
۱-۴-۱. **سیاست خارجی:** از دیدگاه برخی اندیشمندان، سیاست‌های خارجی هر کشور را چارچوب نظام بین‌المللی محدود و تعیین می‌نماید. متفکران دیگر از جمله ریچارد اسنایدر و ژوزف فرانکل، رفتار خارجی کشورها را عمدتاً تابعی از عوامل داخلی و همچنین تصویرهای ذهنی فرد سیاستگذار دانسته‌اند. دسته‌ای دیگر از متخصصان روابط بین‌المللی مانند هانریدر و جیمز روزنا نیز دو محیط داخلی و بین‌المللی را مرتبط با هم دانسته‌اند. اما امام خمینی(ره) سیاست خارجی خود را بدون توجه به ساختار و فرآیند نظام بین‌الملل، توجه به انسان و به طور کلی نجات بشریت قرار می‌دهد(صدقی، ۱۳۸۶: ۲۱۷-۲۱۶). بنابراین، اصول و زیربنای سیاست خارجی ایران مبتنی بر تحقق اهداف نوینی همچون مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین، دعوت جهانیان به حیات طیبه، حفظ تمامیت ارضی و اُم‌القرای اسلامی و اصل نه شرقی و نه غربی بوده است.

اقدامات دیگر همچون فعالیت‌های دفاتر وزارت ارشاد اسلامی و کنسول‌گری‌ها و خانه‌های فرهنگ و یا اقدامات اقتصادی و بهداشتی و رفاهی جهاد سازندگی، همگی دارای تأثیر بوده است. اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان خارجی و طلاب غیر ایرانی، دعوت از عناصر شاخص و تأثیرگذار برای بازدید از ایران و بهره‌مندی از ظرفیت دانشجویان ایرانی خارج از کشور، بخشی از ابزارهایی بود که در جهت تحقق اشاعه سیاست رسمی صدور انقلاب به کار گرفته شد(برزگر، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

۱-۴-۲. **فعالیت در حوزه رسانه‌ای:** رسانه‌های ارتباطاتی جهانی با توجه به حساسیت منطقه خاورمیانه، در تلاش هستند تا حوادث این منطقه را به نحو تأثیرگذاری تحت پوشش قرار دهند. حضور انقلاب اسلامی ایران در این عرصه، در پی دستیابی به اهداف و آمال بیان شده نیز مشهود و قابل توجه است. حوزه برون مرزی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲، دامنه کار خود را گسترش داد. سرویس‌های تلویزیونی برون مرزی ایران در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۷۶ بصورت رسمی و تحت عنوان شبکه جهانی سحر وارد عرصه فعالیت جدید رسانه‌ای خود در میان رقبا شدند. این شبکه در کنار شبکه‌های تلویزیونی الکوثر، العالم، پرس تی وی و همچنین ۳۲ کانال رادیو به زبان‌های مختلف، خانواده بزرگ رسانه‌های معاونت برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند(www.sahartv.ir). شبکه العالم برای مخاطبان عرب زبان بصورت شبانه‌روزی پخش می‌شود. محدوده اصلی فعالیت این شبکه در منطقه خاورمیانه است و برنامه‌های آن در کشورهای عراق، مصر، موریتانی، الجزایر، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین پخش می‌شود. اهداف تشکیل شبکه جهانی سحر نیز در محورهای معرفی انقلاب اسلامی، تحکیم همبستگی و ایجاد فضای اعتماد و تفاهم بین

مسلمانان ایران و سایر ملل، خنثی کردن موج تبلیغاتی همه جانبه و شائبه‌های منفی دست ساخته رسانه‌های بیگانه، تبلیغ و معرفی فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی و دستاوردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران، مقابله با نفوذ فرهنگ غیراسلامی در جهان اسلام و افشاگری علیه سیاست‌های استکباری، اطلاع رسانی و انعکاس گسترده و به هنگام اخبار جهان و ایران، به ویژه رویدادهای امیدبخش جهان اسلام و نهضت‌های آزادی‌بخش قابل بیان است (www.sahartv.ir). پرس تی وی نیز اولین شبکه خبری بین‌المللی ایرانی به زبان انگلیسی است که به صورت ۲۴ ساعته به پخش اخبار در راستای محورهای مزبور می‌پردازد (www.presstv.ir). بر اساس ارزیابی‌ها در مورد اثرگذاری جوامع دیگر بر روی افکار عمومی مصری‌ها، نشان داده شده است که در مصر شبکه «العالم» و سایت خبری آن، یکی از شبکه‌های تلویزیونی فراملی ایران، در میان شبکه‌های تلویزیونی خارجی، پربیننده‌ترین است (زارعی، ۱۳۹۰: ۲۶).

در یک نمونه‌گیری انجام شده پس از انقلاب مصر، نشان داده شد که ۸۲ درصد مصریان اخبار درباره تظاهرات‌ها و پیشرفت‌های جنبش سیاسی را از تلویزیون (۸۲ درصد) دریافت کرده‌اند و میزان دریافت از طریق دیگر رسانه‌ها به این شرح می‌باشد: دریافت اخبار از طریق اینترنت ۶ درصد، رابطه شفاهی ۶ درصد، روزنامه ۴ درصد، پیام کوتاه ۱ درصد، رادیو ۱ درصد و در مساجد هنگام نماز ۱ درصد، صورت گرفته است (Glassman and Glickman, 2011:P,77).



باید یادآور شد که ۴۵ درصد مردم مصر دارای تحصیلات عالی هستند. ۱۸ دانشگاه عمومی و ۲۷ دانشگاه خصوصی در این کشور وجود دارد و سالانه ۳۱۱۶۶۸ دانشجو از این دانشگاه‌ها فارغ التحصیل می‌شوند. نرخ بهره‌مندی از اینترنت به ۵۵ درصد در میان می‌رسد (David and Nagwa, 2010:183-184).

در مجموع، با توجه به عملکرد انقلاب اسلامی ایران در زمینه استفاده از وسایل ارتباطی برای نشر ارزش‌های انقلاب، باید گفت در پی فرآیند جهانی‌شدن که برجسته‌ترین نماد آن بسط کاربرد وسایل ارتباطی در جهان است، این انقلاب توانسته است در ورای مرزهای بین‌المللی، اذهان مردم جهان و به ویژه ملل اسلامی را با اهداف و ارزش‌های خود آشنا سازد. استقبال عمومی از شبکه‌های تلویزیونی و دیگر وسایل ارتباطی جمهوری اسلامی ایران، در مصر به شکلی است که شبکه العالم را نیز به پربیننده‌ترین شبکه تلویزیونی خارجی در این کشور معرفی کرده‌اند.

۳-۴-۱. **نقش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان مرجعیت فرا ملی:** یکی از اثرات فرآیند جهانی‌شدن تبدیل مرجعیت ملی و محلی به مرجعیت جهانی و فراملی است. تأثیر شخصیت کاریزماتیک امام خمینی(ره) نیز محدود به انقلاب اسلامی ایران و مردم ایران نمی‌گردد. برخی از گروه‌های اسلامی با ترجمه کتاب حکومت اسلامی امام(ره) (مانند الیسارالاسلامی مصر)، علاقه‌مندی خود را برای برپاساختن یک حکومت اسلامی بیان داشته‌اند. آیت‌الله محمدباقر صدر نیز در تلاش بود تا حکومتی اسلامی به شیوه حکومت ایران به وجود آورد(احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۷).

۴-۴-۱. **فعالیت‌های فرهنگی-مذهبی:** می‌توان از گزینش، آموزش، سازماندهی و اعزام مبلغ و مربی دینی به خارج از کشور، به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی ایران بعد از انقلاب نام برد. در سال ۱۳۸۷، حدود هزار نفر از طلاب غیر ایرانی از طرف مرکز بین‌المللی تبلیغ، به بیش از ۵۰ کشور جهان، جهت تبلیغ اعزام شد. مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، سازمان تبلیغات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی مصطفی(قم)، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، مرکز جهانی نشر فرهنگ و معارف اسلامی و سازمان حج و زیارت، از نهادهایی هستند که در عرصه جهانی فعالیت‌هایی در زمینه تبلیغ ارزش‌های انقلاب اسلامی و دین اسلام دارند(احمدی و لطفی، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۲).

۵-۴-۱. **حوزه فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی-رفاهی:** جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تعداد ۲۶ بیمارستان و درمانگاه را در کشورهای مختلف ایجاد کرده است. وزارت جهاد سازندگی سابق نیز اقدامات مؤثری در این زمینه داشته است. همچنین، خدمات بهداشتی-درمانی قابل توجهی توسط نمایندگی‌های کمیته امداد امام خمینی ارائه می‌شود. این کمیته در برخی از کشورهای منطقه فعالیت دارند(همان: ۱۱۲).

۶-۴-۱. **انقلاب ایران و اسلام‌گرایی در مصر:** در این جا باید به برخی از شرایط و زمینه‌های مشابه دو کشور ایران و مصر اشاره گردد. اسلام در هر دو کشور از سابقه زیادی برخوردار است و هر دو کشور در

انتشار دین مبین اسلام نقش مهمی را ایفا نموده‌اند. بنابراین، ایران و مصر با پشتوانه تمدن ایرانی و مصری خود به کانون‌های قدرت در تمدن اسلامی تبدیل گردیدند که در آن‌ها مراکز علمی و حوزه‌های دینی فعالانه به پرورش طلاب و دانشمندان می‌پرداختند.

با توجه به فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه فراملی، انقلاب اسلامی ایران به تأسی از تئوری «أم‌القرای اسلامی» و امکانات فراهم آمده برای رواج ایدئولوژی انقلابی- اسلامی، توانسته است از طریق جهانی‌شدن، در طرح توسعه اسلام سیاسی، جوامع مسلمان منطقه خاورمیانه را به پیروی از خود متحول گرداند. در این مورد، باید اظهار داشت که سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را باید یکی از حساس‌ترین مراحل تجدید حیات مذهبی- سیاسی گروه‌های فعال در منطقه شمال آفریقا دانست. در این منطقه، به لحاظ مبارزات ضد استعماری در چندین کشور و فعالیت‌های اسلام‌گرایانه، به خصوص بوسیله اخوان المسلمین در مصر، زمینه‌های این تجدید حیات سیاسی- مذهبی وجود داشت. سیر اسلام‌گرایی و رشد جنبش‌های اسلام‌گرا در مصر بدلیل تأثیرپذیری از سیاست‌های حکومتی، با فراز و فرودهایی همراه بوده است و با اعمال سیاست‌های سرکوب‌گرانه، فعالیت‌های این جنبش‌ها کمتر می‌گردید. در واقع ریشه‌های جنبش اسلام‌گرایی در این کشور به دهه ۱۹۲۰ و تشکیل اخوان المسلمین توسط حسن البناء بر می‌گردد. دولت مصر در مقابل یک اقدام ناگهانی، ۳۰۰ نفر از آنان را در سپتامبر ۱۹۸۰ دستگیر کرد و کنترل تمام مساجد را در دست گرفت، که این دوره مقارن با ایام پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود، که شور جدیدی در بین اعضای گروه‌های اسلام‌گرا پیدا شده بود (امرای، ۱۳۸۳: ۲۴۲-۲۴۰). در مارس ۱۹۷۹ دانشجویان دانشگاه قاهره تظاهرات عظیمی برپا کردند و با شعارهای انقلابی ضمن حمله به رژیم مصر به حمایت از انقلاب اسلامی پرداختند. پس از آن، به دعوت اتحادیه دانشجویان اسلامی در ۱۵ مارس، در مساجد قاهره، پس از اقامه نماز جمعه، دو رکعت نماز برای شهدای ایران گذاردند. این موج حمایت از انقلاب اسلامی به دیگر نقاط کشور مصر سرایت کرد. شیخ عمر تلمسانی، رهبر اخوان المسلمین، ضمن حمایت از انقلاب اسلامی می‌گوید اخوان المسلمین، از پیروزی انقلاب ایران شادمان است و آن را تبریک می‌گوید، زیرا رهبر انقلاب اسلامی اعلام نموده که این انقلاب برای اجرای احکام اسلامی پدید آمده است. خبرگزاری یونایتد پرس در آن ایام، طی گزارشی از قاهره خبر می‌دهد که دادستان امنیتی مصر معتقد است گروه‌های اسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار داده‌اند و سعی می‌کنند با آن تماس برقرار نمایند (همان: ۲۴۲).

با عنایت به جایگاه فکری مصر و به خاطر وجود الازهر در این کشور، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی در مصر، رشدگرایش‌های انقلابی و مذهبی در آن کشور بوده است. گذشته از این، در میان برخی گروه‌های رادیکال معارض با حکومت، می‌توان به مواردی دست یافت که از انقلاب در حد قابل توجهی تأثیر پذیرفته‌اند. کلنل ابوزمر با استناد به مورد ایران مدعی بود که بدون توان بالای نظامی هم می‌توان به پیروزی نائل آمد و به همین خاطر بود که دولت مصر از آن‌ها به «انصار خمینی» یاد می‌نمود و مدعی بود که این گروه به طور غیر مستقیم با ایران در ارتباط است. همچنین، تحلیل‌گران رسمی مصر، نقش «محمدحسن رمضان تاوعاء» را در تشکیل یک هسته انقلابی به سال ۱۹۸۶ در ارتباط مستقیم با حمایت‌های نظری و عملی ایران ارزیابی می‌نمایند (همان: ۲۴۴).

تأثیر مهم دیگر انقلاب اسلامی ایران، تقویت و تشدید جریان «بازگشت به اسلام» است که در مصر ریشه دیرینه‌ای دارد. یکی از نویسندگان مصری در ستایش از انقلاب اسلامی، اظهار می‌دارد که انقلاب تلاشی است برای استقرار دموکراسی و آزادی و انقلاب اسلامی مثال زنده و گویایی برای اثبات توان ذاتی اسلام است (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۳۰). همچنین، گروه اخوان المسلمین از انقلاب ایران بسان وسیله‌ای یاد می‌کردند که به واسطه آن خداوند، ایران را در جبهه اسلام قرار داد. در همین باره می‌توان به محتوای یکی از مقالات مندرج در «الدعوة» اشاره کرد که در آن از انقلاب اسلامی ایران به مثابه عامل وحدت بخش مسلمانان جهان در مقابله با اسرائیل یاد شده است (امرابی، ۱۳۸۳: ۲۴۵).

سر برآوردن گروه‌های تازه اسلام‌گرا در مصر در یک دهه و نیم گذشته، نشانه دیگری از دگرگون شدن اسلام سیاسی در بزرگ‌ترین کشور عرب است، که خود به پیروی از الگوی زنده انقلاب اسلامی ایران بوده است. از میانه دهه ۱۹۹۰ بدین سو، گذشته از سازمان اخوان المسلمین که دگرگونی‌های بسیاری به خود دیده، حزب اسلام‌گرای میانه‌رو یعنی «حزب الوسط جدید»، در همین دوران سر برآورده و در ده سال گذشته برای شناساندن خود در حوزه سیاسی مصر در تکاپو بوده است. جنبش‌های رادیکال، به ویژه جماعت اسلامی نیز به ارزیابی دوباره برخی از تاکتیک‌های خود پرداخته‌اند (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۱۶۷). گروه‌های اسلام‌گرای تندرو همچون القاعده نیز به گروه‌بندی تازه‌ای دست یافته‌اند و برآنند که در سراسر جهان اسلام، حکومت‌های سکولار را سرنگون کنند (همان: ۱۶۸).

اما در مجموع فعال‌ترین و گسترده‌ترین گروه سازمان یافته اسلام‌گرا در مصر که دامنه فعالیت و قلمرو آن به دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز گسترش یافته است، حزب اخوان المسلمین است که می‌توان آن را قدیمی‌ترین گروه سازمان یافته دانست. نخستین ستون فکری اخوان المسلمین، قرار دادن شریعت اسلامی

به عنوان اصل و راهنمای جامعه و دولت است. آنان برپا کردن دولت اسلامی، رهانیدن کشورهای مسلمان از یوغ امپریالیسم و متحد کردن ملت‌های مسلمان را دومین ستون فکری خود قرار داده‌اند (همان: ۱۶۶). سازمان سیاسی دیگر، جنبش یا حزب کفایه است. برخی از اعضای کفایه، از هنگام پاگرفتن جنبش دانشجویی مصر در دهه ۱۹۷۰، پا به میدان سیاست گذاشته بودند. هر چند که نخستین دبیر کل آن اسحاق، یک قبطی سکولار و کمونیست بود، اما این حزب ائتلافی از احزاب سیاسی بود که برای ایجاد توازن میان نیروهای موجود در ساختار سیاسی مصر می‌کوشیدند. این سازمان، برنامه‌ای بر پایه سکولاریسم دارد و طیفی از کمونیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و اسلام‌گرایان و حتی برخی از اعضای سازمان اخوان المسلمین به آن پیوسته‌اند. در کل باید متذکر شد که اسلام‌گرایان توانسته‌اند با نفوذ نهانی در جامعه مدنی، به پیروزی و قدرت چشمگیری دست یابند. در مصر، جنبش انقلابی به پشتوانه سازمان‌های نیرومند، ائتلاف‌های میان طبقاتی و یاری پشتیبانان ایدئولوژیک از گروه‌های گوناگون، چالشی بزرگ در برابر رژیم حسنی مبارک پدید آورد. با توجه به نفوذ سازمان اخوان المسلمین روشن است که جایگاه آن و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا، در سنجش با گروه‌هایی مانند کمونیست‌ها و لیبرال‌ها بسی برتر است (همان: ۱۶۹). یکی دیگر از اشکال اسلام‌خواهی در مصر، اعتقادات مردم مصر است. در نظرسنجی، مؤسسه آمریکایی «پیو» که در دسامبر ۲۰۱۰ از میان شهروندان ۷ کشور اسلامی ترکیه، پاکستان، اردن، لبنان، مصر و اندونزی به عمل آمده، گرایش‌های اسلامی مردم مصر را مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این نظرسنجی، موارد زیر مهم به نظر می‌رسند:

۱. حمایت از گروه‌های اسلامی: حمایت از حماس ۴۹٪، از حزب الله ۳۰٪، از القاعده ۲۰٪.
۲. حمایت از ایفای نقش اسلام در سیاست: ۹۵٪ از مردم مصر از ایفای نقش اسلام در سیاست کشور حمایت کرده‌اند.
۳. مدرنیته و اسلام‌گرایی: ۳۱٪ از مردم مصر معتقدند که مدرنیته و اسلام‌گرایی در کشورشان با هم تضاد دارند و از این میزان افراد ۲۷٪ طرفدار مدرنیته و ۵۹٪ اسلام‌گرا بوده‌اند. در مقابل، ۶۹٪ از مردم مصر گفته‌اند که در کشورشان مدرنیته با اسلام‌گرایی تضاد ندارد.
۴. اجرای حدود اسلامی: ۸۲٪ موافق اعمال مجازات سنگسار، ۷۷٪ از مردم مصر موافق اعمال مجازات قطع دست و شلاق‌اند و ۸۴٪ از آن‌ها معتقدند باید کسانی که از دین اسلام بر می‌گردند، را اعدام کرد.

۵. نگرانی از گسترش افراط‌گرایی اسلام در جهان و در مصر: ۷۰٪ از مردم مصر گفته‌اند که از گسترش افراط‌گرایی اسلامی در جهان نگرانند. درباره نگرانی از افراط‌گرایی در مصر، ۶۰٪ از مردم گفته‌اند در این باره نگرانی دارند.

بنابر مباحثی که مطرح گردید، زمینه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در جنبش سیاسی مصر را باید بیداری اسلامی دانست که در پی آن علاوه بر گسترش احزاب و گروه‌های سازمان یافته اسلام‌گرا، این بیداری در بین عامه مردم مصر نیز شکل گرفته است. لذا می‌توان گفت، بعد از رویداد انقلاب اسلامی در پی بازگشت به خویشتن و اسلام‌گرایی، با گسترش فعالیت‌های فراملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون، ارزش‌های انقلاب اسلامی محصور به مرزهای این کشور باقی نماند و جهانی شد. امروزه با بسط فرآیند جهانی شدن و کنار رفتن قید و بندهای جغرافیایی، روابط اجتماعی در سرتاسر جهان، فراملی گردیده و این خود باعث همگرایی و تشابهات در عرصه‌های گوناگون حیات می‌شود. در عرصه سیاسی می‌توان این انتظار را داشت که با تحولات عصر جدید و اهمیت یافتن ملت‌ها به جای دولت‌ها، در پی فرآیند جهانی شدن، آرمان‌ها و ارزش‌های جوامع اسلامی و به ویژه ایران به عنوان «أم‌القرای اسلامی»، با عملکرد فراملی جمهوری اسلامی، جهانی گردیده و در بین ملل مختلف اشاعه یابند.

۱-۲. جهانی شدن و بسترهای اجتماعی جنبشی نوین در مصر

همان‌گونه که در مقدمه نیز اشاره شد، نباید زمینه اجتماعی مصر را که به دنبال فرآیند جهانی شدن متحول گردیده است، نادیده گرفت. بر این اساس، در بخش دوم این نوشته به زمینه‌های اجتماعی جنبش سیاسی مصر پرداخته می‌شود که به تأثیر از فرآیند جهانی شدن با ابعاد گوناگون خود، شرایطی را فراهم ساخته است که ویژگی خاصی بدان می‌بخشد و اطلاق صفت نوین به این جنبش سیاسی نیز از آن جهت است.

با توجه به تعریف و توضیحات داده شده درباره جهانی شدن، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که در پی فرآیند جهانی شدن در جهان امروزی، باید این انتظار را داشت که ارتباطات و رسانه‌های جهانی گسترش یابند و تبادل افکار و اندیشه‌ها در بین جوامع انسانی به راحتی صورت گیرد و نقش دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های داخلی و فراملی کاهش یابد. همچنین، موضوعات و مسائل داخلی جوامع به مسائل بین‌المللی تبدیل می‌گردند و توأم با طرح نظریه حاکمیت مطلوب، مؤلفه‌های این نوع از حکمرانی از قبیل پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت جویی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و نیز کارآیی و اجماع محوری اهمیت می‌یابد. علاوه بر این، ارتباطات با چنان سرعتی انجام می‌شوند که نظارت دولتی به

منظور شناسایی پیشاپیش آن‌ها دشوار است و با چنان حجمی انجام می‌شوند که دولت‌ها حتی با افزایش امکانات خود نمی‌توانند آن‌ها را بطور کامل ردیابی کنند(شولت، ۱۳۸۲ : ۱۸۳). بنابراین، با نگاهی به زمینه اجتماعی جامعه مصر، می‌توان مصداق‌هایی از این تحولات را که توانسته است نقش خود را در تحولات سیاسی اخیر این کشور، به گونه‌ای پر رنگ بازی کند، ملاحظه نمود.

۲-۲. جنبش‌های اجتماعی، نظریات جیمز دیویس و آلن تورن

جنبش‌های اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای در نظر گرفت که تلاش می‌کنند تا ترتیب جدیدی از زندگی را رایج سازند. آن‌ها در شرایطی از آشوب، قدرت‌انگیزش خود را از یک سو از ناراضیاتی از شکل اخیر زندگی می‌گیرند و از سوی دیگر آرزوها و انتظاراتی را برای نظام جدیدی از زندگی دارند(Blumer, 1969:99). به نظر گیدنز، جنبش اجتماعی کوشش جمعی است برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی(گیدنز، ۱۳۸۲ : ۶۷۹). جنبش‌های اجتماعی شبکه‌هایی از کنش‌های متقابل غیررسمی هستند، بین تعداد کثیری از افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها و درگیر در تضادهای فرهنگی و سیاسی، بر مبنای تعریف سیاسی مشترک(Diana, 1992:13). به طور کلی، بنابر تعاریف گوناگون از جنبش اجتماعی، می‌توان ابعادی را برای آن تعیین کرد: (۱) طرد ارزش‌ها، نهادها و ساختارهای مسلط، (۲) تغییر اجتماع، (۳) عمل جمعی، (۴) ایستادگی، (۵) ناراضیاتی، (۶) انتظارات و آرزوها برای تغییر، (۷) حساسیت جدید، (۸) هویت‌ها، معانی و ارزش‌های جمعی جدید، (۹) مخالفت فرابارلمانی، (۱۰) جامعه مدنی، (۱۱) فعالیت‌ها و استراتژی‌های ارتباطی، (۱۲) شبکه‌هایی از فعالان و گروه‌ها، (۱۳) ادراک و تفسیر مسائل اجتماعی، (۱۴) بسیج و اصلاح ساختاری، (۱۵) شرایطی از فرصت‌ها و فشارها/سرکوب، (۱۶) درجه‌ای از نفوذ جامعه یا بُعدی از هوشیاری و عقلانیت تکنولوژیکی(Fuchs, 2005:110). گفته می‌شود که هر جنبش اجتماعی ویژه‌ای در استفاده از قدرت بالقوه‌اش، برای تحقق بخشیدن به انتظارات و آرزوهای مشترک یا برای حل مسائلی که آن‌ها را برانگیخته‌اند، با فعالیت در موقعیتی برتر موفق خواهد بود(Standly eitzen and bacazinn, 2009:311-312). با توجه به این مسأله که انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی ابعاد جهانی به خود گرفته‌اند و ارتباطات آن‌ها با مجامع بین‌المللی بسط یافته است، باید شاهد گسترش هر چه روزافزون‌تر جنبش‌های سیاسی اصلاحی باشیم که به دنبال تحقق دموکراسی و ارزش‌های اجتماعی خود هستند. در تعریف جنبش سیاسی باید گفت که جنبش سیاسی فعالیت گروهی از مردم برای رسیدن به هدفی سیاسی است. از جمله این جنبش‌های سیاسی، جنبش‌های اخیر است که از سوی مردم و بر علیه حکومت‌های اقتدارگرای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در حال اتفاق افتادن است.

۱-۲-۲. **جیمز دیویس؛ نظریه ی محرومیت نسبی.** دیویس یادآور می‌شود که ما دوره‌های بی‌شماری در تاریخ داریم که طی آن مردم در فقر شدید زندگی کرده یا زیر شدیدترین ستم بوده‌اند، اما به اعتراض برخاسته‌اند. فقر دائمی یا محرومیت مردم را انقلابی نمی‌کند، بلکه آن‌ها معمولاً این شرایط را با تسلیم و رضا یا ناامیدی خاموش تحمل می‌کنند. احتمال وقوع انقلاب‌ها زمانی که بهبودی در شرایط زندگی مردم پدید می‌آید، بیشتر است. همین که سطح زندگی شروع به بالا رفتن می‌کند، سطح انتظارات و توقعات مردم نیز بالا می‌رود. اگر بهبود شرایط واقعی بعد از این کند شود، مایل به شورش به وجود می‌آید؛ زیرا انتظارات و توقعات فزاینده با ناکامی روبرو می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۲ : ۶۷۰). برپایه نظریه دیویس، جهانی شدن روابط اجتماعی موجب شده است تاجوامع بشری پذیرای حاکمیت‌های دیکتاتور و مستبد نباشند و دولت‌ها مجبور به اجرای برخی از اصلاحات سیاسی و اجتماعی گردند. اما هرگاه این دولت‌ها نتوانند به اصلاحات خود ادامه دهند و به سرکوب جنبش‌های مردمی روی آورند، سطح انتظار و توقع افراد افزایش می‌یابد. در این باره با رجوع به وضعیت جامعه مصر، ما می‌توانیم مصداق این نظریه را در واقعیت مشاهده کنیم که متأثر از روابط اجتماعی، انتظار مردم مصر آن است که با مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی، در سرنوشت جامعه خود نقش داشته باشند اما در عمل با سرکوب و استبداد دولتی مواجه شده‌اند. انعکاس این عمل، تمایل به شورش مردم است، که وضعیت جامعه خود را متناقض با خواست جهانی و حقوق شهروندی می‌بینند.

۲-۲-۲. **آلن تورن؛ نظریه تاریخت.** تورن تأکید می‌کند که جنبش‌های اجتماعی اهمیتی را که در جوامع امروزی به فعال‌گرایی در دستیابی به هدف‌ها داده می‌شود، منعکس می‌سازند. جوامع امروزی با آن‌چه که تورن آن را تاریخت می‌نامد، مشخص می‌شود- یعنی شیوه نگرشی که در آن از شناخت فرآیندهای اجتماعی برای تغییر شکل شرایط اجتماعی زندگی استفاده می‌شود. تورن بیش از آن‌که به شرایطی که زمینه ظهور جنبش‌های اجتماعی را فراهم می‌سازند، علاقه‌مند باشد، به درک هدف‌هایی توجه نشان داده است که جنبش‌های اجتماعی دنبال می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی صرفاً پاسخی غیر عقلانی به اختلافات یا بی‌عدالتی‌های اجتماعی نیستند. آن‌ها در بردارنده دیدگاه‌ها و راهبردهایی هستند که نشان می‌دهند چگونه می‌توان بر این اختلافات و بی‌عدالتی‌ها چیره شد. به عقیده تورن جنبش‌های اجتماعی را نمی‌توان به عنوان شکل‌های انجمن و همکاری که از بقیه شرایط اجتماعی مجزا شده‌اند، درک کرد. آن‌ها در تعارض سنجیده با گروه‌های دیگر ظهور می‌کنند. همه جنبش‌های اجتماعی منافع یا هدف‌هایی دارند که به دنبال آن هستند؛ دیدگاه‌ها و عقایدی وجود دارد که جنبش‌ها با آن مخالف‌اند. تورن استدلال

می‌کند که جنبش‌های اجتماعی باید در زمینه آن‌چه که او میدان‌های عمل می‌نامد، مطالعه شوند. این اصطلاح به ارتباطات بین جنبش اجتماعی و نیروها یا عواملی اطلاق می‌گردد که جنبش در برابر آن‌ها قرار گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶۸۴-۶۸۳). تأکید بر بررسی جنبش‌های اجتماعی، از آن روست که جنبش‌های سیاسی مورد نظر ما خود یکی از ابعاد و زیر مجموعه‌های این‌گونه جنبش‌ها است. با رجوع به نظریه تورن و توأم با گسترش فرایند جهانی‌شدن، زمینه فعالیت در مصر ایجاد کرده شده است تا افراد به دور از نظارت رسمی تعامل نمایند و در مورد وضعیت اجتماعی خود به ابراز نظر و بیان اهداف بپردازند. مردم مصر در پی فرآیند جهانی‌شدن، با برخورداری از سطح بالای تحصیلات و کاربری اینترنت در زندگی و همچنین استفاده از رسانه‌های جمعی، به حقوق مدنی خود آگاه گشته و با برخورداری از امکانات، به مطالبه این حقوق اقدام کرده‌اند. میدان‌های عمل کنشگران اجتماعی در گذشته، عرصه‌ها و میدان‌های واقعی بوده است، اما امروز این فعالیت‌ها علاوه بر فضای واقعی به فضاهای مجازی و ارتباطات غیرمستقیم نیز کشیده شده است. علاوه بر این، امکانات در جامعه مصر، ناپیداز موقعیت استراتژیک این کشور و توجه کشورها و مجامع بین‌المللی به تحولات آن غفلت نمود، واقعیتی که باعث می‌گردد اجتماع مصر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بیشتری از اتفاقات و حوادث جهانی داشته باشد.

۲-۳. نگاهی به ویژگی‌های کشور مصر

۱-۳-۲. موقعیت استراتژیک، بین‌المللی و سیاسی مصر. مصر در تقاطع سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد. علاوه بر این، مصر دارای سواحل طولانی با دو دریای مدیترانه و سرخ است. در حقیقت، این دریاها نقطه آغازین روابط بین‌المللی بوده‌اند و لذا مصر همچنین به عنوان پلی برای انتقال تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به نقاط دور دست عمل کرده است. به دلیل سطح تمدنی این کشور در جهان عرب و موقعیت ویژه این کشور در ارتباط میان جوامع عربی و دیگر جوامع، مصر مؤثرترین کشور در بین کشورهای عربی است. اسلام‌گرایان مصر سیاست‌گذارانی مهم در میان مسلمانان جهان عرب می‌باشند و سیاست‌های دولت مصر عاملی مؤثر در تصمیم‌سازی روابط داخلی و خارجی کشورهای عرب منطقه است. مصر در اتحادیه عرب سعی دارد تا نقش پررنگی را در روابط بین‌الملل و نیز پذیرش تحولات عصر جدید در جهان عرب ایفا کند و در واقع، می‌توان آنرا دروازه ورود به این جوامع دانست. این کشور در سال ۱۹۹۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی (GAT) درآمده است.

مصر بین سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲ تحت حاکمیت یک نظام پادشاهی، دارای یک پارلمان و احزاب قانونی و فعال بود. در سال ۱۹۵۲ جنبش افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر به قدرت رسید و ضمن اعلام

نظام جمهوری در همان سال، در سال ۱۹۵۴ ممنوعیت احزاب و ایجاد یک نظام تک حزبی با جهت‌گیری سوسیالیستی را نیز اعلام نمود. در سال ۱۹۷۶، انور سادات از طریق قانونی کردن تعداد اندکی از احزاب اپوزیسیون، درجه‌ای از پلورالیسم را برقرار نمود و این نظام چندحزبی به تدریج توسعه یافت. تا سال ۲۰۰۶، کشور مصر دارای ۲۰ حزب قانونی بود که بیشترشان را می‌توان به عنوان سکولار طبقه‌بندی کرد. علیرغم تنوع فزاینده، نظام سیاسی چند حزبی، در مصر دو نقص جدی وجود دارد. اولین نقص، تبدیل همان حزب اولیه (در نظام تک حزبی) به یک حزب مسلط جدید است و دومین نقص نیز عبارت است از افزایش محدودیت‌های قانونی و سیاسی از سوی دولت برای محدود کردن نقش احزاب اپوزیسیون لیبرال و چپ‌گرا. رژیم سیاسی مصر، جمهوری است. قانون اساسی جمهوری عربی مصر که در سال ۱۹۷۱ تدوین شده است، در برخی اصول خود ویژگی‌ها، ماهیت و چگونگی اعمال حاکمیت رژیم جمهوری را بیان کرده است. اصول یکم و پنجم این قانون، رژیم جمهوری را مبتنی بر سه ویژگی مردم‌سالاری، سوسیالیسم و نظام چند حزبی دانسته است (Alummah.ir). با وجود این ظاهر پسندیده، معیارهایی را که یک حکومت دموکراتیک برای مشروعیت خود لازم دارد، در مصر برقرار نگشته است. لذا تعبیری جز اقتدارگرایی را نمی‌توان برای حکومت مزبور به کار برد. اما از جانب دیگر، تحصیلات رسمی در مدارس مصر، از سال ۱۹۲۳ شکل اجباری به خود یافت و هر چند تا سال ۱۹۵۰ توسعه زیر ساخت‌ها صورت نگرفت، اما بعد از آن دولت در این مورد تلاش نشان داد که نتیجه آن درصد زیادی از جمعیت باسواد دارای تحصیلات عالی است (Herrera, 2003: 189).

۲-۳-۲. آزادی در مصر: از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۱، خانه آزاد، با قطعیت وضعیت آزادی مصر را غیرآزاد شمرد. در بررسی جهانی آزادی، این میزان مبتنی بر یک ارزیابی از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی است که در کشور وجود دارد. مصر با قطعیت نرخ ۶ را برای حقوق سیاسی و بین ۵ و ۶ را برای آزادی‌های مدنی به خود اختصاص داده است. نرخ حقوق سیاسی نشان می‌دهد که کشور دورنمای سیاسی بسیار محدودی دارد و فساد سیاسی، محدودیت در عملکرد احزاب سیاسی، گروه‌های مخالف و اثرات نظامیان یادخالت خارجی را بر روی سیاست توصیف می‌کند. رشد نرخ آزادی مدنی از ۶ به ۵ در سال ۲۰۰۴، محدودیت‌ها را در رسانه و پذیرش ناچیز انتقاد عمومی را منعکس می‌کند. نرخ آزادی‌های مدنی در سال‌های اخیر بین ۵ و ۶ بوده است. از این گذشته، آزادی‌های اجتماعی و مذهبی، فعالیت تجاری خصوصی و بحث باز و آزاد فردی به طور اساسی محدود گردیده است. نرخ ۵ پیشرفت ناچیزی در آزادی‌های قبل، استقلال کم رسانه‌ها، آرامش ناچیز، محدودیت فعالیت واحدهای تجاری و کاهش

ندادن تبعیض علیه گروه‌های اقلیتی و زنان را نشان می‌دهد. یکی از مشخصه‌های بارز حکومت مصر حضور و دخالت نظامیان در عرصه‌های گوناگون حکومتی و فعالیت در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور است (Glassman and Glickman, 2011: 31-32).

۳-۲. عکس‌العمل حکومت در جهت اصلاح سیاسی: در این زمینه دولت مصر جهت جلب توجه مجامع بین‌المللی و مشروع جلوه دادن حاکمیت خود، پذیرش اینترنت را به عنوان حد وسطی از دیپلماسی عمومی آغاز کرد. در سال ۲۰۰۸، اتحاد جنبش‌های جوان از جانب توسط دولت پشتیبانی گردید. حداکثر توجه به رسانه‌های اجتماعی و تکنولوژی ارتباطی مانند پیام کوتاه و دیگر وسایل شد، اما توجهی به استفاده از چنین رسانه‌هایی برای برنامه‌سیاسی ویژه نسبت به فشار بر مخالفان، ظلم و خشونت افراطی نشد. تغییرات سیاسی در مصر، همراه با مخالفت‌های سیاسی آغاز شد. جنبش مصر برای تغییر، در اواخر سال ۲۰۰۴ متوقف شد و در سال ۲۰۰۵ حسنی مبارک پیشنهاد اصلاحات ظاهراً مطابق قانون اساسی را داد. این تلاش‌ها برای بزرگ‌نمایی اصلاحات، به علت صوری بودنشان، نارضایتی‌ها را نسبت به رژیم افزایش داد و موجب تحریک بیشتر برای درخواست اصلاحات شدند (Glassman and Glickman, 2011: 76-78).

۴-۳-۲. نقش برجسته اینترنت و دیگر رسانه‌های ارتباطی در تحولات سیاسی مصر: در این کشور ۱۰ میلیون و ۸۰۸ هزار خط تلفن ثابت و ۳۰ میلیون و ۴۷ هزار خط تلفن همراه وجود دارد. رسانه‌های این کشور در منطقه خاورمیانه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. تلویزیون و صنعت فیلم‌سازی این کشور بخش مهمی از نیاز دیداری مردم منطقه عرب زبان را تأمین می‌کند. روزنامه‌ها و نشریات مکتوب این کشور نیز جزو پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها در دنیای عرب زبان هستند. بنابر بررسی‌های انجام گرفته، اینترنت، ماهواره و همچنین تلویزیون نا آرامی‌های اخیر را در جهان عرب اشاعه داده است. مردم کشورهای عربی این محیط‌ها و به ویژه سایت‌های اینترنتی را عرصه‌هایی برای به دست آوردن انقلاب و سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری قرار داده‌اند. کاربرد اینترنت در دهه گذشته با سیر صعودی خود به ۲۴ درصد از کل جمعیت مصر رسیده است که بیشتر این کاربران، جوانان، تحصیل‌کردگان و شهرنشینان هستند. درباره اثرات اینترنت مطالعات زیادی در جوامع غربی صورت گرفته است، اما پیچیدگی و یکتایی سیاست و فرهنگ در کشورهای عربی این معنی را می‌دهد که کشف اثر سیاسی اینترنت در جهان عرب عجیب و نادر است و آنان از آن برای بیان خشم و تخلیه انرژی خود بر علیه حکومت سیاسی استفاده نموده‌اند، همچنین بعد عجیب‌تر آن جایگزینی فضای اینترنتی، به جای رهبران کاریزماتیک است (Al-Kandari, Hasanen, 2011: 203). این انقلاب از تظاهرات مردمی ریشه‌های خود را گرفته و نیز مرتبط است با

استفاده از شبکه‌های اجتماعی در فضای اینترنت، همچون Facebook که سومین وب سایت از سه سایت مورد استفاده توسط مصریان، پس از Google و Yahoo است؛ به گونه‌ای که محدودیت آزادی بیان و ملاقات، Facebook را وسیله‌ای برای مصریان، به ویژه نسل جوان ساخته است، تا با یکدیگر و به شکل گروهی، بر علیه حکومت اقتدارطلب مبارک مخالفان کنند (Ashraf, A, Nergis, F, Elhusseiny, M, 2011: 370).

از جانب دیگر در سال ۲۰۰۵، شرکت میکروسافت با سازمان زنان در تکنولوژی (WIT)، برای اجرای برنامه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا، قرارداد همکاری بست. این سازمان تلاش می‌کند با فراهم کردن سازمان‌های شراکتی، زنان را توانمند ساخته و مشارکت آن‌ها را در تأمین نیروی کار انسانی افزایش دهد. در این مورد، اعتقاد بر این است که توسعه پایدار و رفاه در خاورمیانه، به مشارکت کامل و برابر زنان این منطقه در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وابسته است. با بهبود سواد دیجیتالی در میان زنان، تشویق آن‌ها برای مشارکت در بخش‌های مختلف و ارائه آموزش مناسب برای توانمند ساختن زنان، آن‌ها می‌توانند خود آگاه شوند. تلاش برای کاهش "شکاف دیجیتالی" جنسیتی، تأثیر قابل توجهی بر زنان در منطقه و مصر خواهد داشت که یکی از آثار بارز آن را می‌توان در مشارکت اکثریت زنان در جنبش سیاسی نوین مصر دید.

نتیجه‌گیری

فرآیند جهانی شدن با تضعیف قیدوبندهای جغرافیایی و فراهم ساختن امکانات، ایده‌ها و آرمان‌های دیگر ملل را در دسترس مصریان قرار می‌دهد و وضعیت سیاسی مقتضی عصر جدید و متناسب با ارزش‌های اجتماعی جامعه مصر را برای آنان متصور و اراده آن‌ها را برای دستیابی به اهداف خود آهنگین می‌سازد. در اینجاست که حکام مصری، برای هم‌رنگ شدن با سیاست‌های جهانی، در برخی از دوره‌های حاکمیت خود، دست به اصلاحاتی در جامعه زده‌اند. اما آنان غالباً از این مهم غافل بوده‌اند که اصلاحات همراه با سرکوب خواسته‌ها، نتیجه‌ای جز اعتراض و مطالبات جدید را بدنبال ندارد.

تعاملات ملی و فراملی مصریان، با امکاناتی که در عرصه ارتباطات و رسانه‌های جمعی در پی فرآیند جهانی شدن به وجود آمده است، به دور از هر گونه کنترل از سوی حاکمیت، تسهیل گردیده است و این موجب آزادی بیشتر در تبادل نظر و دستیابی به اهدافی مشترک برای اداره جامعه و برقراری وضعیت مطلوب در جامعه شده است. جامعه مصر با درصد بالایی از افراد تحصیل کرده و شهری که به راحتی به

اینترنت و فضای مجازی دسترسی دارند، وضعیت نامساعدی را که در پی حاکمیت مستبد و تبعیض طبقاتی، به وجود آمده است، نمی‌پذیرد و در میدان‌های عمل که در سطح جامعه و شرایط اجتماعی مستعد انقلاب ایجاد گردیده، نه صرفاً در قالب انجمن‌ها و احزاب، بلکه به گونه‌ای یکپارچه، به دنبال منافع و اهداف خود گشته و با ترکیب و یکی‌شدن دیدگاه‌ها، دست به ایجاد جنبشی سیاسی زده‌اند که در عصر جدید و به اقتضای آن، نوین و جدید است. جدید بودن این جنبش برآمده از خصوصیتی همانند تعامل و فعالیت سیاسی در فضای مجازی و استفاده از دیگر رسانه‌های ارتباطی در سطحی وسیع، انقلابیونی جوان و تحصیل کرده، عدم رهبری واحد و کاریزماتیک و نیز عدم وابستگی صرف به احزاب، یکپارچگی و وحدت کلمه، حضور پررنگ زنان در جنبش است.

به نظرمی‌رسد جهانی‌شدن با بسط مؤلفه‌هایی دیگر همچون رعایت حقوق بشر، حکمرانی مطلوب و برقراری دموکراسی در جامعه مصر، دولت را مجبور ساخته است تا برای جلب نظر مجامع بین‌المللی و نیز ایجاد مشروعیت در بین افراد جامعه، به اصلاحاتی سیاسی بپردازد. اما با وجود این اصلاحات، باز هم دولت بر مشی مستبد خود پافشاری می‌نمود و به نقض قوانین حقوق بشر و حاکمیتی مطلوب می‌پرداخت. به دنبال این وضعیت، جهانی‌شدن با ایجاد بسترهای ارتباطی فراملی، میدان‌هایی را برای حضور و عمل در فضایی مجازی و به دور از کنترل رسمی دولت فراهم ساخت که در این عرصه‌های عمل، مصریان با آگاهی و فعالانه در مورد وضعیت جامعه خود به تبادل آراء می‌پرداختند.

منابع:

- مارکوزه، هربرت (۱۳۵۹)، *انسان تک ساحتی*، ترجمه محسن مؤیدی، تهران.
- احمدی، حمید (۱۳۶۹)، *انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی*، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران، نشر سفیر.
- الگار، حامد (۱۳۷۱)، *انقلاب اسلامی در ایران*، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیذری، تهران، نشر قلم.
- پارسانیا، حمید (۱۳۷۶)، *حدیث پیمانه*، قم، انتشارات معارف.
- افتخاری، قاسم (۱۳۷۸)، *تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در گستره جهانی*، نامه پژوهش، شماره ۱۱-۱۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، *توسعه سیاسی و بحران هویت ملی*، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
- لاتوش، سرژ (۱۳۷۹)، *غربی‌سازی جهان*، ترجمه امیر رضایی، تهران، قصیده.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۱)، *آینده باورها و اعتقادات دینی در پروسه جهانی شدن*، هفته نامه نگاه حوزه، شماره ۸۰.
- شولت، یان آرت (۱۳۸۲)، *نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- امرایی، حمزه (۱۳۸۳)، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- تاجیک، محمدرضا، درویشی، فرهاد (۱۳۸۳)، *آرمان‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و واکنش‌ها*، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۳)، *دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول.
- موسوی، محمدعلی (۱۳۸۵)، *فرآیند چندلایه‌ای جهانی شدن*؛ تهران، مرکز مطالعات جهانی شدن.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی و پروژه جهانی شدن*؛ بررسی آثار جهانی شدن بر انقلاب اسلامی، راهبردها و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عسگری، علی (۱۳۸۶)، *آینده انقلاب*، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ سوم.

- رابرتسون، رولند، حق خندکر، حبیب(۱۳۸۸)، *گفتمان‌های جهانی‌شدن*؛ ملاحظات مقدماتی، ترجمه مسعود مظاهری، فصلنامه ارغنون، مجموعه مقالات جهانی‌شدن، شماره ۲۴.
- مک گرو، آنتونی(۱۳۸۸)، مفهوم پردازی سیاست جهانی، ترجمه سیدعلی مرتضویان، فصلنامه ارغنون، مجموعه مقالات جهانی‌شدن، شماره ۲۴.
- شیروودی، مرتضی(۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، تأثیرگذاری و نمونه‌ها، فصلنامه علمی- پژوهشی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۴.
- اسپوزیتو، جان.ال(۱۳۸۸)، *انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران، انتشارات باز، چ ۳.
- برزگر، ابراهیم(۱۳۸۸)، عوامل مؤثر در تأثیرات فراملی انقلاب اسلامی ایران، چارچوب مفهومی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۲ و ۴۳.
- احمدی، سیدعباس، لطفی، حیدر(۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و نقش بین‌المللی در منطقه، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
- نقیبی مفرد، حسام(۱۳۸۹)، *حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی‌شدن حقوق بشر*، تهران، مؤسسه پژوهش‌های حقوقی.
- پروین، خیراله(۱۳۸۹)، تأثیر جهانی‌شدن و تحولات بین‌الملل بر حاکمیت و استقلال دولت‌ها، فصلنامه سیاست، شماره ۴۰.
- طاهایی، علی(۱۳۸۹)، آغاز بیداری اسلامی در مصر، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۴۴.
- هاشمی نسب، سعید(۱۳۸۹)، گزارشی از روند تحولات مصر، پژوهشنامه منطقه‌ای، شماره ۵.
- زارعی، سعداله(۱۳۹۰)، ارزیابی نگاه مصر جدید به ایران، هفته‌نامه پنجره، شماره ۸۵.
- موثقی، سیداحمد، زاهدی، نسا(۱۳۹۰)، تأثیر بحران اجتماعی و جهانی‌شدن بر ظهور بنیادگرایی در مصر، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱.
- دلیرپور، پرویز(۱۳۹۰)، دورنمای اسلام سیاسی در مصر، فصلنامه سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۸۵.
- درخشه، جلال، مفیدنژاد، مرتضی(۱۳۹۱)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در ترکیه، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- نورانی، امیر(۱۳۹۱)، مصر، بیداری اسلامی والگوی ایران، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۷.

- یزدانی، عنایت الله (۱۳۹۱)، بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- عزتی، ابوالفضل (بی تا)، اسلام/انقلابی و انقلاب/اسلامی، تهران، انتشارات هدی.

- سایتها

www.Alummah.ir ، www.sahartv.ir ، www.alalam.ir ، www.presstv.ir
-Blumer,H(1969).Collective behavior. in Fuchs.C, The self-organization of social movements.
-Diana, M (1992). The concept of social movement. Social. Rev.40.
-Herrera, L (2003). Participation in school upgrading: gender, class and (in) action in Egypt . International Journal of Educational Development, 23(2003).
-Bhagwati,J(2004). Anti globalization: Why?. Journal of policy Modeling 26.
-Fuchs.C (2005). The self-organization of social movement. Systematic practice and action rsearch .Vol 19, N 1, February 2006.
-Stanley eitzen.D and Bacazinn.M (2009).Globalization the transformation of social worlds. wadsworth cengage learning .
- David A. Kirby and nagwa Ibrahim (2010). Entrepreneurship education and the creation of an enterprise culture: Provisional results from an experiment in Egypt. published online :15April 2010 .
-Ambassador James K.Glassman and Secretary Dan Glickman (2011). Strategic public diplomacy: The case of Egypt. October 2011. Bipartisan policy center.
-Al-Kandari, A, Hasanen,M (2011) . The impact of the internet on political attitudes in Kuwait and Egypt. telemat. Informat, doi: 1016/j.tele. 2011.10.005 .
-Ashraf, M, Attia, Nergis Aziz, Barry Friedman, Mahdy Elhousseiny,(2011) . Commentary: The impact of social networking tools on political change in Egypt's "Revolution2.0". Electronic commerce research and applications 10(2011).